

ضرورت تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار (با تأکید بر آسیب‌شناسی تصحیح)

نصراالله امامی - زهرا نصیری شیراز
مجید دادفر

چکیده

تصحیح میراث مکتوب در ادبیات کهن ضرورتی است که باید بر اساس روش‌شناسی علمی، شناخت معیارهای تصحیح و نگاه انتقادی به متن صورت گیرد؛ تنها از این راه است که می‌توان به تصحیح متن پرداخت یا آسیب‌های موجود در تصحیح متنی را بازشناخت و به تصحیح مجدد آن اقدام کرد. در این نوشتار تلاش بر آن است با بررسی انتقادی دیوان عمادی شهریار علاوه بر بیان اجمالی کاستی‌های این تصحیح، به آسیب‌هایی اشاره شود که مصحح را در قرائت و ضبط ابیات دچار لغزش کرده‌است. معرفی و تقسیم‌بندی این آسیب‌ها می‌تواند مصححان نوکار را از خطاهای احتمالی مصون دارد و راه را بر لغزش‌های مشابه ببندد. این آسیب‌ها در پانزده عنوان کلی تقسیم‌بندی شده‌است و برای هر کدام شواهدی از دیوان عمادی شهریار به تصحیح ذبیح‌الله حبیبی نژاد ذکر شده‌است.

واژه‌های کلیدی

تصحیح انتقادی، آسیب‌شناسی تصحیح، عمادی شهریار

۱. مقدمه

اگر بخواهیم علل اربعه را بر فرایند تصحیح منطبق کنیم، باید مصحح را علت فاعلی، روش‌های تصحیح را علت فعلی، تصحیح و کاربرد آن در دیگر پژوهش‌های ادبی را علت غایی و در نهایت خود نسخه (متن) را علت مادی بدانیم. یک نسخه تصحیح‌شده می‌تواند مبنای تکوین و تدوین دیگر علوم ادبی قرار گیرد. در واقع وجود برخی علوم ادبی - به ویژه

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران nasemami@yahoo.com

؛ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران Zahra.nasirishiraz@yahoo.com

؛ دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی abtin.dadfar@yahoo.com

علوم چون سبک‌شناسی دوره‌ای، نقد ادبی متون کلاسیک و دستور تاریخی - وابسته به وجود متون ادبی متقدم (نسخه) است و جدا از آن نمی‌توان وجود این علوم را متصور شد. با این دیدگاه، میزان اهمیت تصحیح یک متن، بر اساس روش‌شناسی علمی، دانش کافی مصحح از اصول تصحیح و شناخت آسیب‌های این حوزه آشکار می‌شود. هر گاه به این نکته بیندیشیم که اشتباه در امر تصحیح، به اشتباه در تدوین اصول علوم ادبی و نقد ما درباره جایگاه مؤلف و متن خواهد انجامید، بیشتر به اهمیت کار تصحیح پی خواهیم برد.

بهترین راه شناخت آسیب‌های تصحیح این است که تصحیح‌های موجود را با رویکردی علمی و انتقادی بررسی کنیم و دریابیم که توجه نکردن به چه مسائلی سبب به وجود آمدن لغزش و اشتباه در تصحیح یک متن شده‌است. محققان برای تصحیح علمی، ضوابطی را برشمرده‌اند که اهمیت ضبط کامل نسخه بدل‌ها، رعایت امانت و دخالت نکردن در متن، انتخاب و ارزیابی دقیق نسخه‌های مورد استفاده و اهمیت جنگ‌های قدیمی در تصحیح متن از آن جمله‌اند (ر.ک. صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۰-۲۰۷). شناخت این آسیب‌ها و تقسیم‌بندی موضوعی آن‌ها می‌تواند به یاری مصححان دیگر بیاید و راه را بر تکرار اشتباهات مشابه ببندد.

در سنت نقدنویسی بر تصحیح، در اغلب موارد منتقد تنها به بیان اشتباهاتی که به واسطه مصحح صورت پذیرفته است بسنده می‌کند و در نهایت گزینه‌هایی را - بر اساس نسخه‌های موجود یا بر اساس قیاس - برای ضبط بهتر پیشنهاد می‌دهد. ضمن تأیید این روش، باید عواملی که سبب به وجود آمدن این اشکالات شده‌است، معرفی شود و با شناخت آن‌ها از اشتباهاتی از این دست پیشگیری شود.

در پژوهش حاضر بعد از مطالعه دقیق دیوان عمادی شهریار به تصحیح ذبیح‌الله حبیبی نژاد و تطبیق آن با نسخه‌ها و جنگ‌ها و سفینه‌های خطی مشتمل بر اشعار او، همه مواردی که در نهایت، ضرورت بازنگری و تصحیح مجدد دیوان او را اثبات می‌کند، استخراج شده‌است و اشکالات راه یافته به دیوان از زاویه‌های گوناگون بررسی شده‌است و پس از آن به آسیب‌شناسی تصحیح دیوان پرداخته شده‌است. با توجه به گستردگی کار، تنها به آسیب‌شناسی تصحیح موجود پرداخته می‌شود و دیگر کاستی‌های دیوان به اختصار برشمرده می‌شود.

نکته دیگری که باید در این قسمت به آن اشاره کرد، مسئله صحت و ترجیح در امر تصحیح است. در تصحیح یک متن، ضبط‌هایی وجود دارد که بنا بر دلایل متقن علمی (چون فساد وزن، ایراد قافیه، اشکال دستوری، بدخوانی واژه‌ها و...) نادرستند و باید بر اساس دیگر نسخه‌ها و در مواردی بر اساس قیاس، آن‌ها را تصحیح و موارد نادرست را از متن خارج کرد اما مواردی هم وجود دارد که برتر دانستن یک ضبط از ضبط دیگر، موجب از بین رفتن شرط صحت نمی‌شود اما شرط ترجیح تصحیح را از بین می‌برد. برای روشن شدن مسئله صحت و ترجیح، تنها به ذکر دو مثال بسنده می‌شود و مباحث مبسوط به مجال و مقال دیگری موکول می‌شود:

الف) مسئله صحت

* ناف آهو بدان سبب بویاست که طرب در دردمند زار کند

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۸)

وزن و معنای مصراع دوم قطعاً فاسد است. صورت صحیح آن باید این گونه باشد:

ناف آهو بدان سبب بویاست که طرب در درمنه زار کند

ب) مسئله ترجیح

بر در تو مقیم نتوان بود هوسی می‌پزند و می‌گذرند
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۶)

در نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۹۶۷- که مصحح با حرف اختصاری D به آن ارجاع داده است- به جای «هوسی می‌پزند»، «حلقه‌ای می‌زنند» آمده است که به دلیل تناسب بیشتر، بر ضبط متن برتری دارد. همچنان که دیده می‌شود در این موارد می‌توان با در نظر گرفتن تناسب‌ها، صنعت‌ها و سنت‌های ادبی و... ضبطی را بر ضبط دیگر ترجیح داد.

در پژوهش حاضر تنها در مواردی به آسیب‌شناسی تصحیح پرداخته شده است که بی‌توجهی به آن‌ها سبب شده است در متن اشتباه فاحشی صورت پذیرد، به صورتی که رفع نکردن آن موجب فساد بیت و از بین رفتن شرط صحت می‌شود و گرنه در دیوان موجود موارد فراوانی از توجه نکردن به شرط اولویت در تصحیح وجود دارد که گرچه در این مقاله -به دلیل تحدید موضوع- به آن‌ها پرداخته نشده است اما در تصحیح مجدد دیوان باید لحاظ شوند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره تصحیح دیوان عمادی شهریار علاوه بر مجموعه‌ای که مصحح دیوان فراهم کرده، سه مقاله از «سهیل یاری گل‌دره» در دست است که در آن‌ها نویسنده به اشکالات امر تصحیح اشاره کرده است و ضرورت تصحیح مجدد دیوان را متذکر شده است و منابع جدید اشعار عمادی را به دست داده است. این مقالات عبارتند از: ۱- پژوهشی در اشعار عمادی شهریار (۱۳۹۲) ۲- لزوم تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار (۱۳۸۲) ۳- بررسی اشعار نیافته عمادی شهریار (یاری گل‌دره و چهری، ۱۳۹۲). این پژوهش‌ها سبب شد در این مقاله بحث درباره لزوم تصحیح مجدد دیوان و دلایل آن به اختصار بیان شود و مصادیق تکمیلی و کاربردی آن به تصحیح دیوان واگذار شود.

این پژوهش در واقع تکمله‌ای بر آن سه مقاله است که به جنبه‌های دیگری از کاستی‌های تصحیح پرداخته است. علاوه بر آن تلاش شده است به جای اشاره به برخی اشکالات تصحیح، به ریشه‌یابی اشکالات پرداخته شود و آسیب‌های تصحیح موجود با توجه به کل شواهد متن در پانزده عنوان کلی تقسیم‌بندی موضوعی شود و درباره هر آسیب شواهد و مباحث مکفی ارائه شود.

طبیعی است منابع دیگری درباره احوال و اشعار عمادی شهریار وجود دارد که به دلیل ارتباط نداشتن با موضوع اصلی و فرعی این مقاله از ذکر آن‌ها صرف نظر شد.

۳. معرفی اجمالی شاعر

عمادالدین شهریار (غزنوی) از شاعران قرن ششم ه.ق. است که ذکر احوال او در بسیاری از تذکره‌ها و کتب تاریخی متقدم و متأخر آمده است (برای نمونه ر.ک. عوفی، ۱۳۸۹: ۲/۲۵۷؛ دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۹۸؛ صبا، ۱۳۴۳: ۵۶۸؛ آذر بیگدلی، ۱۳۴۰-۱۳۳۶/ بخش ۳ و ۲: ۵۷۹-۵۷۴ و ۱۰۹۷-۱۰۹۳؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۷۷۸/۶؛ هدایت، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۲۷۸؛ فروزانفر، ۱۳۸۰: ۵۳۲-۵۱۷ و...). میزان اهمیت مقام عمادی را در شعر، از موضع‌گیری ارباب تذکره و تواریخ درباره وی می‌توان دریافت؛ اغلب این موارد تأکید صریح بر علو مقام وی در شعر دارد. بسیاری از فضلالی معاصر از جمله بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی و سایرین نیز در این قول با قدما هم‌داستان هستند (برای نمونه ر.ک.

فروزانفر، ۱۳۸۰: ۵۳۲-۵۱۷). عمادی در دوره خود شاعری نامبردار بوده، اشعار و نام او در کتب تاریخی و دیوان معاصرانش راه پیدا کرده‌است. کتاب‌هایی چون *راحه‌الصدر* و *آیه‌السرور* (راوندی، ۱۳۶۴: ۵۷، ۵۸، ۲۰۹، ۲۱۰)، *اغراض‌السیاسه فی اغراض‌الریاسه* (ظهیری‌سمرقندی، ۱۳۴۹: ۱۶، ۱۸۰، ۳۰۹، ۳۵۷، ۳۷۶ و...)، *سندبادنامه* (ظهیری‌سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۳۴ و...)، *ذیل نفثه‌المصدر* (ابوالرجاء قمی، ۱۳۸۹: ۳۳ و ۳۴)، *المعجم* (شمس قیس رازی، ۱۳۱۴: ۲۷۸، ۳۰۲، ۳۴۱ و...) و *دیوان‌های شاعرانی چون انوری ابیوردی* (انوری، ۱۳۷۲: ۴۸۷/۱؛ ۲/۷۶۰)، *ادیب صابر ترمذی* (رک. عوفی، ۱۳۸۹: ۲/۱۲۴)، *بدرالدین قوامی رازی* (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۲۱-۲۰)، *سید حسن غزنوی* (حسن غزنوی، ۱۳۶۲: ۲۲۸ و ۱۹۰) و *کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی* (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۲۵) و... متضمن اشعار یا نام او هستند.

با توجه به مطالب فوق و غیر علمی بودن تنها تصحیح موجود دیوان، نیاز به تصحیح مجدد این دیوان با رویکردی انتقادی و گردآوری اشعار مغفول او بر اساس منابع جدید احساس می‌شود. در این قسمت تنها به بیان اجمالی نواقص دیوان موجود پرداخته می‌شود و از ذکر همه شواهد پرهیز می‌شود زیرا بحث مکفی در این باره در حوصله و موضوع این مقاله نمی‌گنجد.

۴. دلایل تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار

دلایل تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار را می‌توان به اختصار در چهار عنوان کلی این گونه برشمرد:

۴-۱. کمیت اشعار

تعدادی از اشعار عمادی شهریار در دیوان وی وجود ندارد که باید به آن افزوده شود. در این بخش به معرفی منابع نویافته پرداخته می‌شود. این منابع از دو جهت حائز اهمیت هستند. برخی از آن‌ها مشتمل بر ابیاتی تازه از عمادی هستند که در دیوان او وارد نشده‌اند و برخی دیگر، گرچه متضمن اشعار تازه نیستند اما زمینه را برای مقابله و تصحیح فراهم می‌کنند (برای اطلاع کامل از منابع نویافته رک. وفایی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۹۳).

۴-۱-۱. معرفی منابع نویافته

- تاج‌المآثر به شماره ۶۹۴، نسخه مجتبی مینوی.
- تذکره بتخانه، صوفی مازندرانی، قرن یازده.
- *روضه‌الناظر و نزه‌الخاطر* تصنیف عبدالعزیز الکاشی.
- *جنگ اسکندر میرزا مورخ ۸۱۴ ه.ق.*
- *جنگ گنج بخش*، دست‌نویس شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج بخش پاکستان، قرن هفت.
- *جنگ فارسی سید الهی* به شماره ۱۴۴۳۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- *جنگ شماره ۵۲۸*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- *جنگ شماره ۶۵۱*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت در قرن دوازده.
- *جنگ مقطعات و مثنویات شعرا*، شماره ۸۶۶۴۲ کتابخانه مجلس شورای ملی.
- *جنگ علی بن احمد*، به شماره ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- *جنگ یحیی توفیق مورخ ۷۴۵ ه.ق.*

- جنگ نظم و نثر، به شماره ۱۱۷۳۵، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت اوایل قرن دوازده.
- خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۰۰۷.
- خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات، تألیف محمد بن مسعود بن المظفر.
- سفینه بولونیا، قرن شش و هفت.
- نسخه خطی عمادی و دیگر شعرا، به شماره ۱۳۷۶۴ کتابخانه مجلس شورای ملی.
- نسخه خطی عمادی و دیگران، به شماره ۱۶۳۳۰ کتابخانه مجلس شورای ملی.
- مجموعه اشعار و مراسلات، دست‌نویس شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل، ۷۴۱-۷۴۲ هـ. ق، فیلم شماره ۵۷۳ کتابخانه دانشگاه تهران.

- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۴۲.

- نسخه‌ای موسوم به جنگ ملاصدرا.

- مونس‌الاحرار به شماره ۱۳۳۶۷ کتابخانه مجلس شورای ملی.

نویسندگان منابع نویافته را بررسی کرده‌اند و اشعار مغفول عمادی را در تصحیح مجدد دیوان که در قالب رساله دکتری در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز انجام می‌شود، به دیوان او خواهند افزود. برای نمونه، در تصحیح مجدد، در بخش غزلیات دیوان، شعری در هشت بیت به مطلع زیر وارد شده‌است:

چو شد ز سنبله شاه سپهر در شاهین کنار باغ تهی شد ز لاله و نسرين

(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

که در جنگی کهن به شماره ۸۶۶۴۲ کتابخانه مجلس شورای ملی پشت سر هم آمده‌است.

۴-۲. انتساب اشعار

در دیوان موجود ابیاتی از دیگر شاعران وارد شده‌است که باید با ذکر سند از آن خارج شود. برای نمونه ابیاتی از عمیق بخاری، مجیرالدین بیلقانی، انوری ابیوردی و... به دیوان عمادی راه یافته‌است (ر.ک. یاری گل‌دره، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۳).

۴-۳. مقدمه، تعلیقات و تبویب دیوان

مصحح درباره شاعر (شرح احوال، آثار و ممدوحان و...) و پایگاه شعری او به نقل قول مستقیم از چند منبع محدود بسنده کرده‌است و از داده‌های دیوان بهره‌ای نبرده‌است (ر.ک. عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۴۷-۱۵). علاوه بر آن در قسمت تعلیقات، بسیاری از غوامض دیوان را مسکوت گذاشته، تنها به ذکر واضحات پرداخته‌است. در تصحیح حبیبی نژاد اشکالاتی هم در تدوین و تبویب دیوان وجود دارد که باید در تصحیح مجدد اصلاح شود. برای نمونه در بخش قطعات، ابیات مقفی وجود دارد و در بخش قصاید، غزل و در بخش غزل، تشبیب قصیده و... (ر.ک. عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰ و...).

۴-۴. اعتبار تصحیح

در تصحیح موجود آسیب‌هایی وجود دارد که موضوع اصلی مقاله حاضر است. این آسیب‌ها در پانزده عنوان کلی تقسیم‌بندی شده‌است و با بررسی تصحیح دیوان عمادی شواهد هر یک استخراج شده‌است که در ادامه خواهد آمد.

۵. آسیب‌شناسی تصحیح مورد بحث

در این بخش پس از ذکر ضبط نادرست مصحح، تلاش می‌شود ابیات مورد نظر بر اساس منابع موجود-یا در صورت نیاز قیاساً- تصحیح شود. شیوه کار بدین‌گونه خواهد بود که بیت تصحیح‌شده و درست پس از ضبط دیوان آورده می‌شود و در صورت نیاز، ذیل آن توضیحاتی بیان خواهد شد.

۱-۵. توجه نکردن به موضوعات شعری

هر مصححی باید با موضوعات و مضامین شعری آشنا باشد. برای نمونه باید دانست که مدح و ذم از موضوعات ادبی‌اند که به واسطه صناعات ادبی به صورت مضمون عرضه می‌شوند. مصحح باید دقت کند که در یک قصیده مدحی خطاب به ممدوح، علی‌رغم تنوع مضمون، باید وحدت موضوع (مدح ممدوح) وجود داشته باشد. بی‌توجهی به همین مسئله ساده، مشکلاتی را در تصحیح حاضر به وجود آورده‌است:

* خسرو گردون رکاب طغرل عرش آستان کز تپش خصم او نوش چو سم قاتل است

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۳)

خسرو گردون رکاب طغرل عرش آستان کز تپش خشم او نوش چو سم قاتل است

(راوندی، ۱۳۶۴: ۲۱۰)

با این ضبط، موضوع ذمی بیت به موضوع مدحی تبدیل می‌شود که غرض شاعر در یک قصیده مدحی است.

* درگه او فضله‌ای است گر هوس ملک خواست مایه آن فضل را گرز گران مسهل است

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۲)

بیت خطاب به دشمنان ممدوح است. در راحه‌الصدور این بیت با اختلافاتی ضبط شده‌است که موضوع بیت را از ذم

به مدح تغییر می‌دهد:

در سر او فضله‌ای است گر هوس ملک خاست مایه آن فضل را گرز گران مسهل است

(راوندی، ۱۳۶۴: ۲۱۰)

* هر آن کس که آید به زنه‌ار مهرت بیند ز ایام زنه‌ار خواری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

هر آن کس که آید به زنه‌ار مهرت نبیند ز ایام زنه‌ار خواری

(تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۶)

به جای «بیند» باید «نبیند» قرار داد تا موضوع بیت مدحی شود

* یاور عمر و دلت باد بقا و نشاط تا که بخواهد خدای از در کس یاوری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۹)

یاور عمر و دلت باد بقا و نشاط تا که نخواهد خدای از در کس یاوری

(تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۱)

از واضحات است که خداوند از در کس یاوری نمی‌خواهد.

* چون رباب مدح تو بنواختم بخت چون یارد که بنوازد مرا

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۳۴)

چون رباب مدح تو بنواختم بخت چون یارد که نوازدم مرا
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۰)

ضبط مصحح در دیوان در واقع ذم ممدوح است، در صورتی که سخن بر سر این است که بخت، جرأت نمی‌کند مداح ممدوح را نوازد.

۲-۵. توجه نکردن به وزن اشعار

آشنایی با وزن و معاییر آن یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که مصحح باید از آن برخوردار باشد. آشنایی کامل با عروض فارسی و توجه به دقائق و ظرائف آن مانند زحافات و اختیارات و... می‌تواند بسیاری از مشکلات تصحیح را مرتفع سازد و مصحح را در قرائت درست نسخه و ضبط متقن‌تر ابیات یاری کند. در تصحیح مورد نظر، بی‌توجهی به وزن ابیات اشکالات فاحشی را به وجود آورده‌است:

* دیدی چه زره بود که از تیغ در شکست کرده گلو خراش دم اندر جگر شکست
(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۵۴)

وزن مصراع اول فاسد است. در لباب‌الالباب در مصراع اول به جای کلمه «زره»، کلمه «راز» آمده است (ر.ک. عوفی، ۱۳۸۹: ۶۹/۲) که دست کم مشکل وزنی بیت را حل می‌کند

* جولانگه بقا به کف آرد براق حسن کز جعد تو رکاب ز زلف عنان برد
(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۵۸)

وزن و معنای مصراع دوم فاسد است.

* جولانگه بقا به کف آرد براق حسن کز جعد تو رکاب ز زلفت عنان برد
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۲)

* صعّب است شراب کینه تو کز یک قطره او خمّار گیرد
(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۶۱)

مصراع دوم یک هجای بلند اضافه دارد.

* صعّب است شراب کینه تو کز یک قطره خمّار گیرد
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۳)

* ناف آهو بدان سبب بویاست که طرب در دردمند زار کند
(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۶۸)

با جایگزینی «درمنه‌زار» به جای ضبط نادرست «دردمند راز» مشکل وزنی و معنایی مصراع دوم حل می‌شود:

* ناف آهو بدان سبب بویاست که طرب در درمنه زار کند
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۲)

معنای بیت با ضبط پیشنهادی این گونه می‌شود: ناف آهو به سبب طرب در درمنه زار (خوردن گیاهان معطر آن) بویاست.

* چو نقش نام تو ببیند بی‌گمان گردند که این قصیده غرا مرا تواند بود
(عمادی شهریارى، ۱۳۸۱: ۷۲)

«ب» در «بینند» زائد است:

چو نقش نام تو بینند بی‌گمان گردند
 که این قصیده غرا مرا تواند بود
 (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۲)
 * فرزانه‌ای که در همه احوال بهتر است
 از آفریدگان بی‌ر نَز آفریدگار
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۷۵)

وزن و معنای مصراع دوم فاسد است.

فرزانه‌ای که در همه احوال بهتر است
 * گویی که خور به مجلس تو خاک گشت از آن‌که
 از آفریدگان به بر آفریدگار
 (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۶)
 بی لون گونه گشته به خاور نمی‌رسد
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۶۳)

مصراع اول یک هجای کوتاه در آخر اضافه دارد.

گویی که خور به مجلس تو خاک گشت از آنک
 * بر بالا رفتم روا بین
 بی لون گونه گشته به خاور نمی‌رسد
 (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۱)
 خاک سم اسب خویش انگار
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۷۸)

وزن و معنای مصراع اول فاسد است.

بر بالا رفتنم روا بین
 * دگر هر آن هنری را که در جهان بوده است
 خاک سم اسب خویشم انگار
 (نسخه خطی عمادی و دیگر شعرا، ورق ۱۴۸)
 به دل تواند بود فزون از او صد بار
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۸۰)

وزن و معنای مصراع دوم فاسد است.

دگر هر آن هنری را که در جهان بوده است
 * تیغ تو را بی قیاس چشم پدیدار بشد
 بدل تواند بودن فزون از او صد بار
 (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۴)
 تا کند از یک مکان در همه جا نظری
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

«ب» در «بشد» زائد است.

تیغ تو را بی قیاس چشم پدیدار شد (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۱)
 * فتنه هر جا زند پر و بال
 چون بهر در او رسد نیارد
 (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۲۹)

وزن و معنای مصراع دوم فاسد است.

فتنه هر جا زند پر و بال
 چون بر در او رسد نیارد
 (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۵)

* گل می رنگ دیدی توبه بشکن می گل رنگ خوردی والله ماحی
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

مصراع دوم یک هجای بلند اضافه دارد.

گل می رنگ دیدی توبه بشکن می گل رنگ خور والله ماحی
(تاریخ مسعودی، ورق؟)

* زشت باشد که چون منی بیند پادشاه را به چشم دربنانی
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

ضبط «پادشاه» وزن مصراع دوم را بر هم زده است. صورت درست پادشا است.

(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۱)

* چون جان را درد هجران می بگیرد دل مجروحم از جان می بگیرد
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۶۱)

برای اصلاح وزن باید «چون» را در ابتدای مصراع نخست به «چو» تبدیل کرد.

* ای رای تو سپهر تدبیر صورتگر آفتاب تقدیر
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

مصراع نخست یک هجا کم دارد. صورت درست بیت چنین است:

ای رای تو بر سپهر تدبیر صورتگر آفتاب تقدیر
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۸)

۳-۵. توجه نکردن به قافیه و نقش آن در تعیین قوالب ادبی

آگاهی از قافیه و حدود و اصول آن مانند عروض، دانشی است که انتظار می‌رود مصحح یک متن منظوم از آن برخوردار باشد. توجه به قوافی یک شعر از چند نظر اهمیت دارد: نخست نقشی که در تعیین قوالب ادبی دارد. در تصحیح مورد نظر بی‌توجهی به این نقش قافیه سبب شده است مصحح در تبویب دیوان دچار لغزش‌هایی شود. به عنوان مثال اشعاری را که مطلع مقفی دارند، ذیل قطعات آورده است (برای نمونه ر.ک. عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰). پس از آن باید به این نکته توجه کرد که قافیه نقشی انکارناپذیر در تعیین تلفظ برخی لغات مهجور دارد.

در این بخش ابیاتی خواهد آمد که بی‌توجهی به قوافی آن‌ها سبب شده است ضبط آن‌ها مشکوک باشد:

* سموم بادیه عشق را پس از تسلیم دوا نسیم کف پادشاه تواند بود
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۱)

در این قصیده مصوت بلند «ا» روی قافیه است؛ بنابراین قافیه نادرست است. صورت درست آن «پادشا» است.

* مرا عشق تو از من جان پرداخت همه تاریکی از روشن پرداخت
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

این بیت در دیوان، مطلع یک غزل است! با توجه به قالب غزل-که در آن باید بیت نخست مقفی باشد- قافیه درست نیست. در «خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار» مصراع نخست بدین صورت آمده است: «مرا عشق تو جان از من پرداخت» که دست کم مشکل قافیه را مرتفع می‌سازد. البته می‌توان قیاسی بیت را بدین صورت تصحیح کرد: مرا عشق تو جان از

تن پیرداخت. مصراع نخست در «سخن و سخنوران» این گونه ضبط شده‌است: مرا عشق تو چون از من پیرداخت (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۵۲۴).

*با این همه بوسه می‌ده او را کو مدح سزای پادشاهی است

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

روی در این شعر مصوت بلند «ا» است؛ بنابراین ریخت «پادشاه» قافیه را فاسد می‌کند. نکته دیگر این‌که ضبط «مدح سزا» هم نادرست است و صورت درست آن «مدح‌سرا» است.

با این همه بوسه می‌ده او را کو مدح سرای پادشاهی است

(نسخه شماره ۲۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۳۵۵)

۵-۴. توجه نکردن به منابع معتبر و نزدیک به دوره شاعر

یافتن منابع معتبر و نزدیک به دوره شاعر که بتواند در تصحیح متن مفید واقع شود، یکی از مهم‌ترین کارهای هر مصحح است. وجود چنین منابعی می‌تواند بر اعتبار تصحیح بیفزاید. هر چه منبع به دوره شاعر نزدیک‌تر باشد، طبعاً کمتر دستخوش تحریف و تصرف کاتبان بوده است و در نتیجه معتبرتر خواهد بود. بر چنین منابعی فواید دیگری هم مترتب است، از جمله پی بردن به میزان اشتهار شاعر در دوره خود، موضع‌گیری هم‌عصرانش درباره جایگاه ادبی او، کسب اطلاعات جانبی درباره زندگی‌نامه و آثارش و ...

در این بخش ضبط‌های نادرست برخی ابیات آمده‌است که با توجه به منابع کهن و معتبر می‌توان صورت صحیح آن‌ها را پیشنهاد کرد.

* از سشکین که بهلو گیتی است آگهم کز جمله دو کشور در یکدگر شکست

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۵)

مصراع اول در لباب الالباب صورت موجه‌تری دارد:

از صف‌شکن که بهلو گیتی است آگهم کز جمله [ظ: جمله‌ای] دو کشور در یکدگر شکست

(عوفی، ۱۳۸۹: ۲ / ۶۱۰)

موارد پیشنهادی زیر از المعجم فی معاییر اشعارالعجم نقل شده است. واضح است که این ضبط‌ها بسیار موجه‌تر از ضبط‌های دیوان است و مصحح در تصحیح خود از آن‌ها استفاده نکرده‌است:

*عشق تو آورد راه جستن بی مهرمی وصل تو آورد رسم کشتن بی داوری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

عشق تو آورد راه، خستن بی مهرمی هجر تو آورد رسم، کشتن بی داوری

(شمس قیس، ۱۳۱۴: ۳۴۱)

*گر چه ز حد درگذشت بر چمن باغ عشق صبر تو را فربهی زخم مرا لاغری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

گر چه ز حد درگذشت در چمن باغ عشق صبر مرا فربهی رحم تو را لاغری

(شمس قیس، ۱۳۱۴: ۳۴۱)

*شاه فرامرز را دولت دین را عماد خسرو مازندران مایه نیک اختری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

شاه فرامرز راد دولت و دین را عماد
 خسرو مازندران مایه نیک اختری
 (شمس قیس، ۱۳۱۴: ۳۴۱)
 * چه نکردی به جان من ز کرم
 من به مهرت چگونگی نگسارم
 (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۲)

معنای بیت فاسد است. صورت صحیح بیت این گونه است:

چه نکردی به جای من ز کرم
 می مهرت چگونگی نگسارم
 (نسخه شماره ۲۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۲۸)
 *گفتم ار جز به درگه تو رسد
 طعنه آید مرا ز دستار
 (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۲)

معنای بیت فاسد است. صورت صحیح بیت بدین گونه است:

کفشم ار جز به درگه تو رسد
 طعنه آید مرا ز رفتارم
 (نسخه شماره ۲۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۲۸)
 خاک خور باده مخور ز آن که دریغ است دریغ
 که دهد کس... رنگ گل و بوی شراب
 (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

دو کلمه خوانده نشده «به جعل» است (تذکره بتخانه، ورق ۳۰۲).

*برون از تو از کس امید ندارم
 نه جایی نه مالی نه نامی نه نانی
 (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۴۸)

صورت صحیح مصراع دوم چنین است:

نه جاهی نه آبی نه مالی نه نانی (جنگ یحیی توفیق، ورق ۴).

با پذیرش این ضبط، تناسب جاه و مال و آب و نان هم به صورت لف و نشر رعایت شده است.

*ارباب ثنای بازوی تو
 از بهر ثنا فریضه باید
 نگذشت ز جان من زمانی
 آن بازو را چنین زبانی
 (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۳۰)

معنای بیت نخست مشخص نیست. صحت ضبط پیشنهادی با توجه به بیت بعد -که موقوفالمعانی است- مشخص می شود. صورت درست این بیت این گونه است:

از باب ثنای بازوی تو
 نگذشت زبان من زمانی

(نسخه شماره ۲۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۱۲۴)

۵-۵. توجه نکردن به رمزهای نسخه

در نسخه های کهن رمزهایی وجود دارد که آگاهی از آنها نقشی اساسی و انکارنکردنی در روند تصحیح ایفا می کند (رک. جويا، ۱۳۷۸: ۴۲-۳۸). بی اطلاعی از این رمزها یا بی توجهی به آنها می تواند سبب لغزش هایی در فرایند تصحیح شود. یکی از این رمزها که بی توجهی به آن در تصحیح مورد نظر سبب شده است مصحح دو بیت را به صورت نادرست ضبط کند، این است که گاهی کاتب در تقدم و تأخر نگارش دو واژه اشتباه کرده است و برای پرهیز از خط خوردگی

متن، تقدم و تأخر درست را با رمزی (در اغلب موارد م/خ یا عدد ۲/۱) متذکر شده است:

*این قدر نظم تو به مدح آمد عرش و کرسی فرود این قدرند

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۷)

با توجه به رمز ۲/۱ در مصراع اول باید جای «نظم» و «مدح» را عوض کرد:

این قدر مدح تو به نظم آمد...

*هر که او از سر جهل از سر بر می‌خیزد همه بر باد و هوا تکیه کند همچو حساب

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

هر که او از سر جهل از سر می‌برخیزد...

۵-۶. توجه نکردن به اصل موازنه و تقابل در تصحیح

در سروده‌های شاعران - به ویژه شاعران سبک خراسانی و سرایندگان حوزه اران و آذربایجان، موازنه و در یک نگاه کلی ارکان متناظر، صنعت ادبی پرکاربردی است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۸۴ و ۷۰) که در تصحیح ابیات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بسیاری از غوامض نسخه‌ها را می‌توان با توجه به این اصل آشکار کرد و البته بی‌توجهی به آن می‌تواند سبب لغزش مصحح در گزینش ضبط مرجح شود:

*سرمایه اول زمان داد اقبال تو آخرالزمان را

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۳)

با توجه به املائی «آخرالزمان» در مصراع دوم، به نظر می‌رسد باید در مصراع نخست «اولالزمان» بیاید.

*مدد گسسته ندارد ز آب و خاک و خرد نظر بریده ندارد ز جان و دل دادار

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۸۰)

با توجه به صنعت موازنه و نحو جمله، واو عطف میان خاک و خرد زائد است:

مدد گسسته ندارد ز آب و خاک، خرد (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۴)

*در لعل تو شرط عمر مضمهر در جزع تو شرح فتنه و غم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۲)

با توجه به صنعت موازنه ضبط درست مصراع دوم این گونه است:

در جزع تو شرح فتنه مدغم (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۳)

*بی و فوق مراد تو نویسد لیلی به جنیب نوبهاری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

با توجه به تقابل «لیل و نهار» صورت درست مصراع دوم این گونه است:

لیلی به جنیب نهار (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۵)

صعب است بی تو کارم ضعف است روزگارم صعب است سرگذشتم صعب است داستانم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

با توجه به صنعت تکرار به نظر می‌رسد صورت درست مصراع اول این گونه باشد:

صعب است بی تو کارم، صعب است روزگارم...

۵-۷. توجه نکردن به مسئله تصحیف

مسئله تصحیف را شاید بتوان مهم‌ترین مسئله در خواندن نسخه‌ها به ویژه نسخه‌های متقدم به شمار آورد. فعالان این عرصه می‌دانند که کاتبان نسخه‌های کهن، در کاربرد نقطه و سرکش کاف و گاف ممسکند و جز در موارد خاص، از این امکانات نوشتاری بهره نمی‌برند. در چنین مواردی مصحح باید تمام احتمالات ممکن را لحاظ کند تا به ضبطی قابل اطمینان یا دست کم قابل دفاع برسد. در تصحیح مورد نظر یکی از پربسامدترین اشتباهات، مربوط به توجه نکردن به مسئله تصحیف است:

*شاه بهشت مجلس طغرل که روز رزم از نعل پاره گنبد کوکب حشر شکست

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۵)

«پاره» صحیح است نه «پاره».

*لاله پدیدار شد رنگ قبا چون عقیق گفتم چون است؟ گفت: ریخته انتظار

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۸۱)

با توجه به عقیق و ریختن، خون صحیح است نه چون:

گفتم خون است؟ گفت: ریخته انتظار (نسخه خطی عمادی و دیگران، ورق ۸۱)

*کین تو آورد راه یافتن موی لیل مهر تو آورد رسم شستن روی نهار

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۸۱)

با توجه به قرینه «موی لیل» و رکن متناظر آن (شستن روی نهار)، «بافتن» صحیح است نه «یافتن».

کین تو آورد راه بافتن موی لیل (عوفی، ۱۳۸۹: ۲/۶۰۵)

* ای گـرد ره تو توییایی کز دیده داد و دین برد نم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۳)

«تم» صحیح است نه «نم». تم آفتی است که در چشم پیدا می‌شود مانند پرده و آن را به عربی غشاهه گویند. دهخدا درباره بیتی از مولانا نوشته است: «یقیناً تم است چه نم مانع دیدن نیست و چشم همیشه نم دارد» (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل تم).

*اندر دل چو زاغ منه رخت عشق از آن طاووس عشق را به از این ناید آشیان

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۸)

در مصراع دوم «باید» به جای «ناید» معنای محصلی به بیت می‌دهد.

اندر سر تیغ او دماغی است کز نافه جان و تن برد سم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۳)

«شم» صحیح است نه «سم». طبیعی است که شم با ناقه ملازمت دارد نه سم.

*عجب می‌گدازد دل پر فریبت که زنده مرا در جهان می‌گذاری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

در مصراع نخست -با توجه به «می‌گذاری» در مصراع دوم- «می‌گذارد» صحیح است نه «می‌گدازد»:

عجب می‌گذارد دل پر فریبت (تذکره بتخانه، ورق ۳۰۹)

با توجه به ضبط پیشنهادی، معنای بیت این گونه است: عجب است که دل پر از فریب تو اجازه می‌دهد مرا در جهان زنده بگذاری.

*گر خصم تو نبودی آماده سوختن را آسان برون بجستی آتش ز سنگ خاره
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۳۳)

با توجه به معنای بیت «نجستی» صحیح است نه «بجستی»:
آسان برون نجستی آتش ز سنگ خاره (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۸)
در واقع حسن تعلیلی است برای بیرون جهیدن شراره از سنگ. چون خصم آماده سوختن است آتش از سنگ آسان بیرون می‌جهد.

*اقبال در رکاب من آمد عنان زنان تا من عنان به خدمت صدر تو یافتم
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

از تعبیر «عنان یافتن» معنایی حاصل نمی‌شود. صورت درست آن «عنان تافتن» است.
تا من عنان به خدمت صدر تو تافتم (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۸)

*گم شود هر که ره ز ما جوید رستنی چون بود ز ما که جهیم
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

با توجه به تقابل راه و چاه، «جهیم» صحیح است نه «جهیم». از سوی دیگر «رستنی» نیز بر اساس ضبط نسخه خلاصه‌الاشعار نادرست است و صورت صحیح آن رسنی است:
رسنی چون بود ز ما که جهیم (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۱)

۵-۸. توجه نکردن به املائی کلمات و اختلاف معانی و علائم سجاوندی

نه تنها هر مصحح ادبی بلکه هر کس که از دانش زبانی بهره‌ای دارد باید با املائی درست کلمات آشنایی داشته باشد و اختلاف معنای ناشی از اختلاف املائی دو کلمه متشابه را بداند. در تصحیح مورد نظر، بی‌توجهی به این امر بدیهی و پیش پا افتاده سبب شده است تا معنای ابیات دچار اختلال شود و تأثیر شعر-که علت غایی شعر است- از بین رود:

گر خریدار تو آنی منم آن کس باری که به یک جرعه فروشم به تو سی روزه صواب
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

«ثواب» درست است نه «صواب». که به یک جرعه فروشم به تو سی روزه ثواب (تذکره بتخانه، ورق ۲۰۲).

*کردی ز برای بیع جانها بیاع، گهی ز لعل و مرجان
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۹)

کاربرد ویرگول نادرست است. بیاع‌گه به معنای محل بیع معنای محصلی به بیت می‌دهد در صورتی که با در نظر گرفتن ویرگول معنای بیت از بین می‌رود. معنای بیت با توجه به ضبط پیشنهادی این گونه می‌شود: برای خرید و فروش جان‌های عاشقانت بازاری از لعل و مرجان (لب و دهان و دندان) بنا کردی.

*برگ ریز است شاخ، دانش را این خزان را بهار بایستی
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

کاربرد ویرگول نادرست است: برگ ریز است شاخ دانش را... در این صورت شاخ دانش، اضافه استعاره است.

۹-۵. توجه نکردن به صنعت‌ها و سنت‌های شعری

آشنایی کامل با صنعت‌ها و سنت‌های شعری برای یک مصحح امری ضروری است. این آشنایی باید کامل باشد و به صورت ملکه در ذهن مصحح وجود داشته باشد. شاعران به ویژه شاعران فنی قرن ۶، دانسته‌های علمی مخاطبان شعرشان را در هنگام سرایش شعر، مفروض می‌داشته‌اند و این فرض، جزئی از روند سرایش آن‌ها بوده است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۸۴)؛ بنابراین بی‌توجهی به این موارد می‌تواند سبب بروز اشتباهاتی در امر تصحیح شود:

*با لطف تو باد در کف خاک با نور تو خاک بر سر نار
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۶)

با توجه به تناسب میان عناصر اربعه و معنای بیت و اعرف و اجلی بودن آب در لطافت، در مصراع نخست باید به جای خاک، آب باشد:

با لطف تو باد در کف آب (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۴۸).

*ای مهر تو فال سوره فخر وی کین تو خال صورت عار
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۷)

با توجه به صنعت جناس لفظ، پسندیده‌تر آن است که «سوره» را در مصراع نخست با املائی عربی آن ضبط کنیم: ای مهر تو فال سورت فخر...

*در بر کوره‌ای خلاف کنند تیغ پتکی و خود سندان
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

معنای مصراع اول مشخص نیست. صورت درست مصراع اول در خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار بدین صورت آمده است: بر در کوره خلاف کنند... (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۴). «کوره خلاف» اضافه تشبیهی است. معنای بیت بر اساس ضبط پیشنهادی این گونه است: در میدان نبرد که چون کوره آهن‌گران است، تیغ کار پتک را انجام می‌دهد و خود کار سندان را؛ یعنی تیغ‌های همچون پتک بر خودهای همچون سندان فرود می‌آیند.

*گر می و گل را جهان در بوی و رنگ با لب و رویت نه در خور داشتی
می نیارستی که بزم افروختی گل نشایستی که ساغر داشتی
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

واضح است که گل نمی‌تواند ساغر داشته باشد. با توجه به صنعت لف و نشر مشوش به نظر می‌رسد صورت صحیح بیت دوم این گونه باشد:

گل نیارستی که بزم افروختی می نشایستی که ساغر داشتی
بی‌ثنایش نتافت در شب هم ماه معنی ز آسمان سخن
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۶۳)

به نظر می‌رسد شاعر در مصراع نخست، وهم را به شب تشبیه کرده باشد: بی‌ثنایش نتافت در شب وهم.

۱۰-۵. توجه نکردن به مباحث عرفانی و دینی

در شعر شاعران متقدم-قرن ۳ و ۴ و ۵- کمتر به اشارات و مباحث دینی و عرفانی برخورد می‌کنیم اما در شعر شاعران نیمه دوم قرن ۵ به بعد باید منتظر چنین مباحثی در شعر شاعران و نثر کاتبان بود. آشنایی با این مسائل می‌تواند در

تصحیح متن به مصحح یاری رساند و در بسیاری موارد، مشکلات معنایی و موضوعی متن را حل کند. در تصحیح مورد نظر، در سه موضع مصحح با بی‌توجهی به این موارد دچار لغزش شده است:

*کیمیای عشق ما گر برد عشقت گو بیر عشق تو ما را نه اول این زمان می افکند
(عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۶۹)

در مباحث عرفانی و دینی و فلسفی تقابل، میان عقل و عشق است نه عشق و عشق!

کیمیای عقل ما گر برد عشقت گو بیر... (نسخه بریتانیا کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۲۰)

*شهد حدیث شاهد خود شهد دان از آنک قلب است نقد قالب تو همچو روزگار
(عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۷۴)

با توجه به تفکرات عرفانی و نیز «قلب بودن امور جهان» که در مصراع دوم بدان تصریح شده است، به نظر می‌رسد صورت صحیح مصراع نخست این گونه باشد: زهر حدیث شاهد خود شهد دان از آنک.

*آسمان را به جای سجده و شکر خاک فرسای گشت پیشانی
(عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

در مصراع نخست اصطلاح دینی «سجده شکر» مناسب‌تر است: آسمان را به جای سجده شکر.

۵-۱۱. توجه نکردن به اصطلاحات علمی

شعر شاعران قرن ششم مملو از اصطلاحات علمی (طبی، نجومی، فلسفی، موسیقایی و...) است. شاعران این دوره چنین موضوعاتی را به عنوان ماده خام برای مضمون سازی به کار می‌برند و از این طریق می‌کوشند با خلق مضامین تازه، خود را از شاعران پیشین متمایز کنند. آشنایی با این علوم، برای مصحح -به ویژه مصحح متون مربوط به این دوره- امری ضروری است که در تصحیح متون به او یاری می‌رساند. بی‌توجهی به این موارد تبعاتی را به دنبال خواهد داشت:

- زیرا کاندنر نوای مدحت برداشته بود بس فرودآر
(عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۷۹)

«برداشت» و «فرودآر» دو اصطلاح رایج در موسیقی هستند. صورت صحیح بیت این گونه است:

زیرا کاندنر نوای مدحت برداشت بود پس فرودآر
(تقی الدین کاشانی، ورق ۳۴۸)

۵-۱۲. توجه نکردن به تلمیحات

تلمیح اشاره‌ای کوتاه به واقعه‌ای است که میان مؤلف و مخاطب مفروض، به صورت یک عهد ذهنی وجود دارد؛ بنابراین اگر این عهد در ذهن مخاطب -که می‌تواند به صورت بالقوه، مصحح هم باشد- وجود نداشته باشد، ارتباط مورد نظر مؤلف با مخاطب برقرار نمی‌شود و در نتیجه جنبه هنری متن و حتی در مواردی پیام متن از بین خواهد رفت؛ بنابراین بدیهی است که برای درک جنبه‌های هنری و پیام یک متن باید با تلمیحات رایج در ادبیات آشنا بود و در تصحیح متن، این دانش را به کار بست. مصحح در تصحیح مورد نظر از این خطا هم مصون نمانده است:

- از معجز عنکبوت و کوشر در دشت امان غار داریم
(عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۹۷)

یکی از داستان‌های مربوط به زندگی پیامبر، پناه گرفتن ایشان در غار و پنهان ماندن از دشمنان به واسطه عنکبوت و

کبوتر بوده است. تلمیح شعر به همین داستان است. «کوتر» بر وزن کوثر، ریختی دیگر از کبوتر است که باید جایگزین «کوثر» شود (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۴۹). معنای بیت با توجه به ضبط پیشنهادی این گونه می شود: ما به سبب معجز عنکبوت و کبوتر در دشت هم مانند غار در امان هستیم.

*به آیین نگاری به شکرانه باید که مدح خداوند بر جان نگاری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

معنای مصراع نخست آشکار نیست. با توجه به قرینه «آیین» در مصراع نخست و «نگاریدن» در مصراع دوم به نظر می رسد بیت تلمیحی به داستان «مانی» - نگارگر ایرانی - داشته باشد. با پذیرش این نظر صورت مصراع نخست می تواند این گونه باشد: به آیین مانی به شکرانه باید. این مورد قیاسی تصحیح شد زیرا در نسخه های موجود ضبط متقنی وجود نداشت. این ضبط معنای محصلی به بیت می دهد: تو باید به شکرانه الطاف ممدوح، به شیوه مانی (که نگارگر است) مدح پادشاه را بر جان خود نقش کنی (نه این که به شیوه شاعران بر دفتر بنویسی).

۱۳-۵. توجه نکردن به قواعد دستوری

مصحح متن کهن علاوه بر دستور «همزمانی»، باید از قواعد دستور «در زمانی» هم آگاه باشد. این آگاهی باید به صورت کامل در سه حوزه زبان (آوایی، واژگانی و نحوی) حاصل شود. توجه نکردن به قواعد دستور به طور عام و بی توجهی به دو ساحت مجزای دستور «همزمانی» و «در زمانی» به طور خاص و خلط این دو ساحت در تصحیح متون متقدم، یکی دیگر از آسیب های پژوهش در جریان تصحیح است:

*خلقی ز غمش دل به هلاکت بنهاندند آن نیز بر آنم که همه خلق بر آنند

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۱)

«آن» در ابتدای مصراع دوم نادرست است و باید به جایش «من» قرار دارد که نهاد جمله است:

من نیز بر آنم که همه خلق بر آنند.

*محققان هوا را گذر به دل نکنند که در زمانه نشان وفا تواند بود

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۱)

«نکنند» نادرست است. شناسه این فعل باید مفرد باشد نه جمع:

محققان هوا را گذر به دل نکند... (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۲).

*میگون لب و زلف تو چلیپاست بستندم چون پیاله زنار

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۷)

با این ضبط، جمله فاعل ندارد. فاعل فعل «بستندم»، مصراع نخست است. ضبط پیشنهادی ما مشکل دستوری بیت را حل می کند:

میگون لب و زلف چون چلیپات بستندم چون پیاله زنار

(نسخه خطی عمادی و دیگر شعرا، ورق ۱۴۷)

*مرا روزگار از غمت چون رهاندی که سرمایه فتنه روزگاری

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

«رهاندی» در مصراع نخست نادرست است و نوع «ی» آن مشخص نیست. بدون «ی» نحو جمله درست است: مرا روزگار از غمت چون رهاند (نسخه خطی عمادی و دیگر شعرا، ورق ۸۳).

*دوش گفتم تو را غلام توام گفت از طعنه خواجه سرهنگ است
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۵)

با توجه به منطق نحوی بیت، «گفت» در ابتدای مصراع دوم به علت تطابق نداشتن نهاد و شناسه نادرست است و باید به جای آن «گفتی» بیاید:

دوش گفتم تو را غلام توام گفتی از طعنه خواجه سرهنگ است
(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۶۹۳)

۱۴-۵. آشنایی نداشتن با لغات مهجور

از مصححی که قصد دارد یک متن ادبی مربوط به قرن ۶ را تصحیح کند، انتظار می‌رود با لغات مهجوری که در متن وجود دارد آشنایی کامل داشته باشد. البته بدیهی است که مهجور بودن یا نبودن یک کلمه، امری نسبی است و به انس مخاطب با متون کهن بستگی دارد. مثلاً آشنایی با لغات زیر می‌توانست مصحح را در تصحیح متن یاری کند:

*ناف آهو بدان سبب بویاست که طرب در دردمند زار کند
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۸)

«دردمند زار» صحیح است نه «دردمند زار».

*تا مغز مخالفانش بیند خرمن خرمن به کوه و بر در
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۸۷)

«گردر» صحیح است نه «بر در». «گردر به معنای زمین سخت است که در دامن کوه واقع است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل گردر). این بیت به همین صورت، ذیل «گردر» در لغت‌نامه به نقل از سندباد نامه آمده است.

*آن جا که جز جمال تو بینند اکممم و آن جا که جز مدیح تو خوانند الکنم
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۵)

«اکمه‌ام» صحیح است نه «اکممم».

*بحر است از آن شده‌است درآشفته کار او نبود عجب که باشد آشوب در بحار
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۵)

فعل پیشوندی «برآشفته» از مصدر «برآشفتن» مناسب‌تر است.

۱۵-۵. نداشتن روش‌شناسی علمی در تعیین نسخه اساس

نسخه اساس در تصحیح حبیبی نژاد نسخه خطی کتابخانه پاریس به شماره s.p.799 است. تنها دلیل مصحح برای اساس قرار دادن نسخه پاریس «دارا بودن اشعار بیشتر از عمادی است» (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۴۸). برای تعیین ارزش یک نسخه، سه معیار محل اجماع اهل فن است: صحت، قدمت و اصالت (ر.ک. جويا، ۱۳۷۸: ۱۷)؛ بنابراین دلیل مصحح برای اساس قرار دادن نسخه پاریس در تصحیح دیوان موجه به نظر نمی‌رسد. در این بخش سعی بر آن است با ذکر شواهدی صحت نسخه پاریس بررسی شود.

در استنساخ نسخه پاریس غلط‌های فراوانی راه یافته‌است که صلاحیت نسخه مزبور را برای اساس قرار گرفتن در تصحیح رد می‌کند. در ادامه به تصحیح چند بیت از دیوان پرداخته می‌شود که ضبط آن‌ها بر اساس نسخه پاریس است. در تصحیح ابیات به قسمتی از تذکره خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار تقی‌الدین کاشانی که مشتمل بر اشعار عمادی است، استناد شده‌است. این نسخه در مقایسه با نسخه پاریس به مراتب، صحت بیشتری دارد. مشخصات کامل این نسخه به شرح زیر است: «خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار، تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی‌الحسینی الکاشانی، تهران، مجلس، شماره ۲۷۲، خط نستعلیق، بی‌کا، تا ۱۰۰۷ق، جا: کاشان، تملک: فرهاد میرزا با مهر "ابن محمد علی محمد حسین"، با کاغذ اصفهانی ضخیم، جلد تیماج قرمز، ۹۸۲ ص، ۳۰ سطر چهار ستونی، اندازه ۳۳ در ۱۹».

* شمشیر تو را سخن فراوان این هر دو ز چرخ اخضر آمد
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۵)

شمشیر تو را، سخن مرا دان (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۱).

* بی‌هوا خاطری برای خدا در چوین کجا نثار کند
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۸)

دُرّ چوین کجا نثار کند (تقی‌الدین کاشانی، ۳۵۲).

* دانی از مرغان کدامین بگسلاند مثل خویش آن‌که جوزه از برون آشیان می‌افکند
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۹)

دانی از مرغان کدامین بگسلاند نسل خویش آن‌که جوژه از برون آشیان می‌افکند
(تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۲)

تا قضا را به عجز آن کامل دیده اعتبار بایستی
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۴)

ناقصان را به عجز آن کامل (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۷).

* خشم تو بر بد سگال زخم چنان زد گر جگر مرگ زینهار برآمد
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۴)

کز جگر مرگ زینهار برآمد (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۷).

* پیش دانا زبان شدت وی قصه راحت بهار کند
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۸)

پیش دانا زبان شدت دی (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۲).

* بگری که عنکبوت سعادت همی‌تند در خانه نجات به از آب دیده تار
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۴)

بگری که عنکبوت سعادت نمی‌تند (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۶).

* امروز نوش باده فردا به قحف وی امسال روی سال دگر بین به چشم پار
(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۴)

امروز نوش باده فردا به قحف دی (تقی‌الدین کاشانی، ورق ۳۵۶).

*اندر بنه صد شتر بدیدیم

اکنون غم یک بهار داریم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۶)

اکنون غم یک بهار داریم (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۴۹).

*جهل از در تو شکست چونانک

بر کوی قمر ز طوق چوگان

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

بر کوی، قمر ز طوق چوگان (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۴۹).

*جاوید همان که از سعادت

عمر تو ذخیره بقا شد

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۱۸)

جاوید بمان که از سعادت (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۸).

*ای خوشتر از جوانی در بند توست جانم

بخشایش از بر من کاخر چو تو جوانم

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

بخشایش آر بر من کاخر چو تو جوانم (تقی الدین کاشانی، ورق ۳۵۸).

آسیب‌های موجود در امر تصحیح محدود به موارد ذکرشده نیست و موارد دیگری را هم در بر می‌گیرد. در این پژوهش تنها به آسیب‌هایی پرداخته شد که در تصحیح مورد نظر وجود داشت.

۶. نتیجه

بهترین راه برای آسیب‌شناسی تصحیح، بررسی متون تصحیح شده با رویکردی انتقادی است. در این روش به جای برشمردن اشتباهات مصحح، اشکالات راه یافته در تصحیح را می‌توان ریشه‌یابی و آسیب‌های آن را در عناوینی کلی تقسیم‌بندی کرد. این امر سبب می‌شود مصححان دیگر در تصحیح خود، از خطاهای مشابه مصون بمانند. در این مقاله نخست به صورت گذرا در چهار محور کلی، دلایلی اقامه شد که بر اساس آن‌ها ضرورت تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار با روشی علمی و رویکردی انتقادی به اثبات رسید. این دلایل به ترتیب عبارتند از: کمیت اشعار، انتساب اشعار، مقدمه و تعلیقات و تبویب دیوان و اعتبار تصحیح. توجه نکردن به مسائلی چون موضوعات شعری، وزن اشعار، قافیه و نقش آن در تعیین قوالب ادبی، منابع معتبر و نزدیک به دوره شاعر، رمزهای نسخه، اصل موازنه و تقابل در تصحیح، مسئله تصحیف، املاهای کلمات و اختلاف معانی و علائم سجاوندی، صنعت‌ها و سنت‌های شعری، مباحث عرفانی و دینی، اصطلاحات علمی، تلمیحات، قواعد دستوری، لغات مهجور و روش‌شناسی علمی در تعیین نسخه اساس، آسیب‌های تصحیح مورد نظر هستند. با بررسی کل دیوان، شواهد و مباحث هر آسیب ذیل هر عنوان تقسیم‌بندی شد تا اشکالات مصحح در تصحیح دیوان آسیب‌شناسی موضوعی شده باشد. بر اساس نتایج این مقاله، تصحیح انتقادی دیوان عمادی شهریار با توجه به آسیب‌شناسی تصحیح موجود و دسترسی به منابع تازه، ضرورتی پژوهشی است.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، لطفعلی بن آقاخان. (۱۳۴۰-۱۳۳۶). *آتشکده*. تصحیح حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر.
- ۲- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین. (۱۳۶۳). *تاریخ الوزرا*. به کوشش محمد تقی دانش پژوه. تهران: موسسه مطالعات و

تحقیقات فرهنگی.

- ۳- ----- (۱۳۸۹). *ذیل نقشه المصدر*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۴- انوری، محمد بن محمد. (۱۳۷۲). *دیوان اشعار*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۵- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد. تهران: میراث مکتوب.
- ۶- تاریخ (تذکره) مسعودی. شماره ۳۸۴۴/۱۹ کتابخانه ملک.
- ۷- تذکره بتخانه. صوفی مازندرانی، قرن ۱۱.
- ۸- جنگ یحیی توفیق. مورخ ۷۴۵.
- ۹- جویا، جهانبخش. (۱۳۷۸). *راهنمای تصحیح متون*. تهران: میراث مکتوب.
- ۱۰- حسن غزنوی. (۱۳۶۲). *دیوان*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: اساطیر.
- ۱۱- تقی‌الدین کاشانی. *خلاصه الاشعار و زبده الافکار*. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۰۰۷.
- ۱۲- دولتشاه سمرقندی. (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*. تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴). *راحه‌الصدور و آیه‌السرور*. تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.
- ۱۶- شمس قیس، محمد بن قیس. (۱۳۱۴). *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*. تصحیح عبدالوهاب قزوینی و مدرس رضوی، تهران: مطبعه مجلس.
- ۱۷- صادقی، علی اشرف. (۸۵-۱۳۸۴). *ضوابط تصحیح متن‌های کهن*. نامه بهارستان. سال ۶، شماره ۱ و ۲، ص. ۲۱۰-۲۰۷.
- ۱۸- صبا، مولوی محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳). *روز روشن*. تصحیح محمدحسین رکن زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.
- ۱۹- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۴۹). *اغراض‌السیاسه فی اغراض‌الریاسه*. تصحیح جعفر شعار. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- ----- (۱۳۸۱). *سندباد نامه*. تصحیح محمد باقر کمال‌الدینی. تهران: میراث مکتوب.
- ۲۱- عمادی شهریار، عمادالدین. (۱۳۸۱). *دیوان اشعار*. تصحیح ذبیح‌الله حبیبی نژاد. تهران: طلایه.
- ۲۲- عوفی، محمد. (۱۳۸۹). *لباب‌الالباب*. تصحیح ادوارد براون. تصحیح سعید نفیسی. تهران: هرمس.
- ۲۳- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۰). *سخن و سخنوران*. تهران: خوارزمی.
- ۲۴- قوامی‌رازی، بدرالدین. (۱۳۳۴). *دیوان اشعار*. تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: چاپخانه سپهر.
- ۲۵- کمال‌الدین اسماعیل. (۱۳۴۸). *دیوان*. به اهتمام حسین بحرالعلومی. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۲۶- نسخه بریتانیا. ف ۱۴۶۳، **Or.298** کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۲۷- نسخه خطی عمادی و دیگران. به شماره ۱۶۳۳۰ کتابخانه مجلس شورای ملی.
- ۲۸- نسخه خطی عمادی و دیگر شعرا. به شماره ۱۳۷۶۴ کتابخانه مجلس شورای ملی.

- ۲۹- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. به شماره ۲۴۲.
- ۳۰- وفایی، محمد افشین. (۱۳۹۳). نگاهی تازه به زندگی عمادی غزنوی به همراه معرفی منابع نویافته از اشعار او. ادب فارسی، سال ۴، شماره ۱، ص. ص. ۹۳-۱۱۲.
- ۳۱- هدایت، رضا قلیخان. (۱۳۸۱). مجمع الفصحا. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
- ۳۲- یاری گل‌دره، سهیل. (۱۳۸۲). لزوم تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار. مجموعه مقاله‌های دومین همایش ملی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳۳- ----- . (۱۳۹۲). پژوهشی در اشعار عمادی شهریار. کتاب ماه، شماره ۱۳۹۲، ص. ص. ۵۸-۶۸.
- ۳۴- ----- و چهری، طاهره. (۱۳۹۲). بررسی اشعار نویافته عمادی شهریار. متن‌شناسی ادب فارسی، سال ۵، شماره ۱۹، ص. ص. ۱۱۱-۱۲۴.